

دلیل ممانعت از برگزاری کنسرت در برخی شهرها چیست؟

صحنه‌گردانی نهادهای نامرتب (!)



وحید خانه‌ساز

وجود دارد و حل نشده باقی مانده، ممنوعیت برگزاری کنسرت در شهرهای مذهبی است. سال‌هاست خوانندگان پاپ، حتی هنرمندان عرصه موسیقی سنتی و حتی افراد بومی، نسبت به ممنوعیت برگزاری کنسرت در شهر مشهد گلایه دارند. کمتر شنیده‌ایم که در شهر مذهبی قم کنسرت برگزار شود و البته در برخی شهرها هم اعمال نظرهای سوال برانگیز گاه مانع برگزاری کنسرت‌ها شده است. بزرگترین بهانه در اینبار حضور نوازندگان زن در کنسرت‌هاست. ممنوعیت صدای زنان در محافل عمومی موضوعی تقریباً مشخص و تا حدودی حل شده است، اما اینکه زنان نوازنده، اجازه نوازندگی روی صحنه را ندارند به لحاظ شرعی، عرفی و قانونی هیچ مرجعیت مشخصی ندارد و صرفاً سلیقه‌ای است و همواره توسط برخی نهادهای اعمال می‌شود.

آخرین نمونه از مداخله نهادهای نامرتب (!) در برگزاری کنسرت موسیقی، ممانعت از اجرای علیرضا قربانی در اصفهان به بهانه حضور نوازندگان زن در گروه بود. در نهایت نیز این کنسرت پس از حواشی بسیار، سه شنبه ۱۵ اسفند با حضور دو نماینده ناظر از وزارت ارشاد تهران برگزار شد، اما مطمئناً این پایان ماجرا نیست و قبلاً هم اینطور نبوده است!

نمونه بارز این اشکال افراط‌گونه جلوگیری از برگزاری کنسرت علیرضا قربانی در اصفهان است که توسط نهادهای نامرتب (!) رخ داده است. بیست و چهار مهر ماه بود که خبر لغو کنسرت اصفهان علیرضا قربانی در رسانه‌ها منتشر شد؛ این در حالی بود که قربانی و اعضای گروهش قبل تر در قالب تور در دیگر شهرها به اجرای برنامه پرداخته بودند؛ لذا قطعاً اجرای مشکلی برای اجرا نداشته و نوازندگان هم قبلاً مورد تأیید قرار گرفته‌اند. در ادامه بود که اداره ارشاد استان اصفهان اینبار به توضیحاتی داد مبنی بر اینکه در این زمینه مشکلی وجود نداشته و همه چیز قانوناً قبلاً چک شده است!

او گفته بود در خصوص صدور مجوز برگزاری کنسرت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مختلفی دخیل هستند که وجود برخی موارد منجر به عدم صدور مجوز نهایی شده است؛ در اینجا منظور نهادهایی

چون اداره اماکن، ستاد امر به معروف و نهی از منکر و برخی دیگر از دستگاه‌ها هستند. آنچه باعث لغو کنسرت علیرضا قربانی شده بود حضور نوازندگان زن روی صحنه بود که البته مسئولان مربوطه خیلی واضح به آن نپرداختند. سالاری در همان مقطع این اتفاق را صرفاً یک گمانه‌زنی دانسته و با اشاره به وجود هنرستان موسیقی دختران در اصفهان؛ لغو کنسرت به دلیل حضور بانوان روی صحنه را بعید دانسته بود؛ در نهایت اینکه با نامه فرمانداری اصفهان بر برگزاری کنسرت قربانی بر خلاف میل وزارت ارشاد و اداره ارشاد استان لغو شد.

محمد اسماعیلی وزیر ارشاد هم در همان مهر ماه تأکید کرده بود که سیاست‌های ارشاد نسبت به اجراهای صحنه‌ای روشن است و همه باید به قانون مقید باشند و اجرای آن استان و شهر نمی‌شناسد.

پس از شکست اداره ارشاد اصفهان در مقابل خواست نهادهای مخالف، محمود سالاری، معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از علیرضا قربانی بابت این ناهماهنگی عذرخواهی کرد و قول داد که کنسرت به زودی در اصفهان برگزار شود که این اتفاق طی چند روز گذشته رخ داد، اما باز هم با حاشیه‌هایی همراه بود که در کمال تعجب لغو کنسرت را در پی داشت.

ناتوانی وزارت ارشاد در اجرای قوانین

با وجود تمام تأکیدها و عذرخواهی‌ها طی روزهای گذشته، دوشنبه چهاردهم اسفندماه بود که باز هم از برگزاری کنسرت علیرضا قربانی جلوگیری شد؛ بدون شک تکرار این اتفاق خود به تنهایی گویای توان ضعیف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در اجرای قوانین است. آنطور که مشخص است دیگر دستگاه‌های دولتی چون فرمانداری، اداره اماکن و ستاد امر به معروف و نهی از منکر برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارزش و اعتبار زیادی قائل نیستند؛ بیانیتهای اخیر ستاد امر به معروف استان اصفهان در نفی برگزاری کنسرت قربانی گواهی بر این موضوع است. این بیانیته چند ساعت پیش از اجرای قربانی و گروهش در روز چهاردهم اسفندماه صادر شد.

در این بیانیته آمده است: «مردم از شی اصفهان معتقد هستند که در این شهر شئون ارزشی باید رعایت شود و با توجه به نظر علمای اصفهان و احتمال مفسده با نوازنده زن، این اجرا باید بدون نوازنده زن برگزار شود!» ستاد امر به معروف اصفهان در بخش دیگری از بیانیته اصرار وزارت



یکی از موارد مهمی که به برگزاری کنسرت‌ها اشاره دارد و وزیر فرهنگ روی آن تأکید کرده، این است که مجوزهای صادر شده توسط دفتر موسیقی بدون هیچ خدشهای باید اجرا شوند. حال باید دید آیا واقعاً تصویب و انتشار سند ملی موسیقی مشکلات عدیده موجود را حل خواهد کرد؟ در این میان باید به این موضوع مهم توجه داشت که کلا ماهیت موسیقی به لحاظ شرعی اوضاعی بلا تکلیف دارد و هنوز برخی مسئولان نسبت به آن آگراه دارند! اتفاقاً دلیل و منشا عدم موافقت با برگزاری کنسرت در شهرهای مذهبی و حتی غیر مذهبی حضور بانوان هنرمند است. آیا واقعاً فعالیت زنان در عرصه موسیقی به لحاظ شرعی دوچار اشکال است؟ اگر اینطور نیست پس چگونه است که برخی نهادها همچنان با تأکید بر این اشکال بیانیتهای تند و تیز صادر می‌کنند؟ از این رو به نظر می‌رسد پیش از وضع قوانین و چارچوب‌های جدید در قالب سند ملی موسیقی، باید برای این شرعی یا غیر شرعی بودن موسیقی به نتیجه برسیم و اینکه در نهایت زنان در موسیقی ایران چه نقشی دارند و چرانباید روی صحنه بروند. بدون شک این ابهامات به نفع هنر کشور و هنرمندان شریف و تلاش‌گر عرصه موسیقی در جای‌جای ایران اسلامی نیست. در پایان باید امیدوار بود که با انتشار سند ملی موسیقی بخش مهمی از مشکلات موجود برطرف شود و بانوان هنرمند بدون هیچ مشکل و اتهامی در جای‌جای کشور روی صحنه بروند و هنرنمایی کنند.

پانزدهم اسفندماه با اتخاذ تدابیری (از جمله فرستادن دو نماینده از وزارت ارشاد تهران به اصفهان برای نظارت بر اوضاع) برگزار شد، اما مطمئناً این پایان ماجرا نیست و قبلاً هم اینطور نبوده است!

در نهایت با کنار هم قرار دادن همه اتفاقات رخ داده در رابطه با کنسرت علیرضا قربانی، می‌توان به نبود قوانین مشخص در رابطه با موسیقی و برگزاری کنسرت‌ها و فعالیت هنرمندان زن در کشور پی برد. همه اینها در حالی است که وزیر ارشاد در اختتامیه سی و نهمین جشنواره موسیقی فجر از انتشار سند موسیقی خبر داده بود. او گفته بود که سند ملی موسیقی به تصویب نهایی رسیده و طی روزهای آینده توسط رئیس جمهور ابلاغ خواهد شد. اسماعیلی این اتفاق را گامی مهم برای توسعه کمی و کیفی هنر موسیقی در کشور دانسته بود.

ارشاد برای برگزاری کنسرت را اینجا خوانده است! از سویی دیگر علیرضا قاسمی، معاون سیاسی - اجتماعی فرمانداری اصفهان، به شکلی دیگر کنسرت قربانی را مورد تاخت و تاز قرار داد و مدعی شد «کنسرت قربانی همه مراحل برای اخذ مجوز نهایی اطمینان‌بخش است؛ بنابراین ایشان هیچ‌گونه اجرایی در اصفهان نخواهد داشت!» پس از این اتفاقات بود که در همان شب، دوستان ارشاد علیرضا قربانی در محل سالن کنسرت تجمع اعتراضی برپا و ابراز نارضایتی کردند. در ادامه این ماجرا نیز مهدی سموعی، رئیس مرکز روابط عمومی وزارت ارشاد، اعلام کرد که مشکلات حل شده و قربانی یک روز بعد یعنی سه شنبه پانزدهم اسفندماه به اجرای کنسرت در شهر اصفهان می‌پردازد.

وی در توییتی صحبت‌های خود را اینگونه تکمیل کرد: «این برنامه به خاطر برخی ناهماهنگی‌ها برگزار نشد، در تلاش هستیم برای جبران یک شب به اجرای آقای قربانی اضافه شود. از مردم شریف و هنردوست اصفهان عذرخواهی می‌کنم.»

همچنین سید مهدی سیدین مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان درباره حواشی ایجاد شده گفت: «مجوز این کنسرت توسط وزارت ارشاد صادر شده و وزارتخانه لغو این کنسرت را نمی‌پذیرد. و اینکه مادر صدور برگزاری این کنسرت را هستیم و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی رسماً مخالفت خود را با لغو کنسرت اعلام کرده است!» در نهایت اینکه کنسرت قربانی روز سه شنبه

در ایران ماهیت موسیقی به لحاظ شرعی اوضاعی بلا تکلیف دارد و هنوز برخی مسئولان نسبت به آن آگراه نشان می‌دهند! آیا واقعاً فعالیت زنان در عرصه موسیقی و حتی آواز به لحاظ شرعی دچار اشکال است؟ اگر اینطور نیست چرا برخی نهادها همچنان با تأکید بر این اشکال بیانیتهای تند و تیز صادر می‌کنند؟

آن دو باشد. اثری است باز یگوشانه و پسامدرن برای آن نوازندگی کردن یک‌تار پیانسمدرن که حالا دیگر کلاسیک محسوب می‌شود. امیدبنکنکار از فضای سینما و تصویر به سمت تئاتر آمده و اولین تجربه‌اش در مقام کارگردانی تئاتر، تا حدودی دچار «سینما-زدگی» است. اما در این جهان پیانسمدرن و نئولیبرالیزه شده، چه باک از این ماجرا جوی‌های تقاطعی «مافیای روباه‌ها» امکانی است بکر تا که بار دیگر، سینما و تئاتر، در یک فضای مشترک، در هم آمیخته شده و محصولی تازه بیافرینند و زیباشناسی تماشاگران را از نویسانند. البته نباید این نکته فراموش کرد که اجرا همچنان بیش از اندازه به تصویر و صدای سینمایی با می‌دهد و در خود آگاه خویش از به تاملی «تئاتر شدگی‌اش» هر اسان است. ذهنیت سینمایی امید بنکنکار در این زمینه نقش آفرین است و تأثیرگذار بر سیاست‌های اجرایی نمایشی که کارگردانی کرده.

انبوه آدم‌هایی که پولی در جیب ندارند، اما می‌توانند به میانجی‌گری ژست‌های هنرمندانه، خود را در عرصه نمادین مطرح کنند. نمایش «عده‌های نشده» با هنرنمایی بازیگرانی چون عزالدین توفیق، فرید رحمتی، شهاب عباسیان، کامران اقتداری، رویا بختیاری، الهه پور جمشید، کیمیا جواهری، مهیار اسلامی، شیما خوش‌اقبال و وحید کریمی و هدایت کسی چون حسین کشفی اصل توانسته نگاهی انتقادی داشته باشد به سال‌هایی که بر ما گذشت. آمازمانه ما این روزها تغییرات گسترده‌ای کرده و بحران‌های پیچیده‌تر شده است. از این منظر این اجرا با آن که انضمامی است اما توان تعیین بخشی به این روزهای ما را ندارد. برای مثال به یاد آوریم که چگونه جامعه این روزها مثل قبل روی خوش به بازار آریایی شبکه‌های ندارد و بازار اقتصادی‌اش عرصه‌های تازه و ناآشنایی را تجربه می‌کند که اضطراب‌آور است.

پس از آن دو باشد. اثری است باز یگوشانه و پسامدرن برای آن نوازندگی کردن یک‌تار پیانسمدرن که حالا دیگر کلاسیک محسوب می‌شود. امیدبنکنکار از فضای سینما و تصویر به سمت تئاتر آمده و اولین تجربه‌اش در مقام کارگردانی تئاتر، تا حدودی دچار «سینما-زدگی» است. اما در این جهان پیانسمدرن و نئولیبرالیزه شده، چه باک از این ماجرا جوی‌های تقاطعی «مافیای روباه‌ها» امکانی است بکر تا که بار دیگر، سینما و تئاتر، در یک فضای مشترک، در هم آمیخته شده و محصولی تازه بیافرینند و زیباشناسی تماشاگران را از نویسانند. البته نباید این نکته فراموش کرد که اجرا همچنان بیش از اندازه به تصویر و صدای سینمایی با می‌دهد و در خود آگاه خویش از به تاملی «تئاتر شدگی‌اش» هر اسان است. ذهنیت سینمایی امید بنکنکار در این زمینه نقش آفرین است و تأثیرگذار بر سیاست‌های اجرایی نمایشی که کارگردانی کرده.

نمایش «مافیای روباه‌ها» در یک فضای آستانه‌ای ایستاده و تمنای سینمایی کردن تئاتر و باتئاتری کردن سینما را دارد. این تقلاي جذاب و کمابیش ناممکن قرار است به میانجی‌گری یکی از خاطرمانگیزترین فیلم‌های تاریخ سینما به محک تجربه در آید. نتیجه این ماجرا جویی، صدا البته اجرایی است که بیش از آنکه بر «تئاتر بومی» خود تأکید کند و در پی اتصال با امر تئاتر یکالیت باشد، میل آن دارد بار دیگر سینمای تارانتینو را بدستور زبان تازه‌ای بر صحنه تئاتر بازآفرینی کند. در این فرآیند دیالکتیکی مابین یک جهان سینمایی و استلزامات یک اجرای صحنه‌ای تئاتر، محصولی تقاطعی و آبرونیک سرهم‌بندی شده که در مقام تماشاگر می‌دانیم جعلی است اما بار دیگر اجازه می‌دهیم در سالن نوبل لوشاتودر مقابل دیدگان ما به میانجی‌گری بازیگران ساخته شود. از این منظر «مافیای روباه‌ها» فرزند توامان سینما و تئاتر است اما نمی‌تواند با نمی‌خواهد به تمامی یکی از



سراغ گرفت. ایده مرکزی نمایش مبتنی است بر بی‌ثمر بودن تلاش آدم‌های این دوره و زمانه در خروج از فلاکت زندگی. نمایش به وضوح نشان می‌دهد که در یک جامعه فرسوده به لحاظ ساختاری، فرجام کار انسان‌های فرودست جامعه تسلیم شدن به منطق روزمرگی و امید بیستن‌های کاذب به آینده‌ای ناممکن است. حسین کشفی اصل تلاش کرده فضایی باورپذیر از زیست ویران آدم‌های نمایش بسازد. بنابراین رفتن به سوی نوعی از رئالیسم انتزاعی در دستور کار قرار گرفته است. طراحی صحنه با فرشی که در مرکز صحنه پهن شده و همچون معبدی مقدس، امکان گردهمایی آدم‌هایی این چنین متضاد را فراهم کرده. خلاقانه و مقتصدانه است. همچنین در انتهای صحنه پرده‌های سفید رنگ نصب شده که فضای داخل را از خارج جدا کرده و گاهی همچون صفحه تلویزیون، تکه‌هایی از فیلم‌های رومن پولانسکی بر آن تابانده می‌شود.

این اجتماع کوچک انسانی بیش از آن که محل دوستی و گفتگو باشد جهنمی است از برای مجادله و طردشدگی. اجرا بیش از آن که شخصیت بسازد در حال برساختن تیپ‌های اجتماعی است. تیپ‌هایی که از قضا بر ذهن و احساسات مخاطبان تأثیر می‌گذارد و باورپذیر است. با آن که اجرا به لحاظ فرمی پیشنهاد تازه‌ای برای این روزهای تئاتر ما ندارد، اما به دام شلختگی و بی‌دردی و بی‌کرمی نمی‌افتد. نمایشی است از مردمانی که در این روزگار، عددی نشده‌اند اما از قبول این واقعیت تلخ به هر طریق طفره می‌روند و لحظه تباهی خویش را با تمرد و تعافل به عقب می‌اندازند. از نکات قابل توجه اجرا، استفاده خلاقانه و کوتاه از فیلم‌های پولانسکی است؛ اینکه بانیشان دادن چند تکه از یک فیلم، گویی تمامی آن را به تماشا نشسته‌ها می‌چال توجه است. همچنان که از نکات خوب اجرا بی‌شک بازی بازیگران و مهارتی است که آنان در ساختن تیپ‌های اجتماعی از خود نشان می‌دهند. اجرا به آن شکل بازیگر اصلی ندارد و با ساختاری منظومه‌ای به پیش می‌رود. اما در این وادی نقشی که عزالدین توفیق بازی می‌کند قابل اعتنا است. یک فیگور پرسه‌زن و اهل کتاب که همیشه آواره است و در حال اغوای زنان، یادآور

تئاتر در ایستگاه آخر سال؛ امیدها و حسرت‌های بی‌پایان



محمد حسن خدایی

بدرخشند. اما در این میان بعضی اجراها شوق‌انگیز و تماشایی بوده و حرف تازه‌ای داشته است. نکته دیگری که باید اشاره کرد برمی‌گردد به انشقاقی که فضای تئاتر کشور را در بر گرفته و آن را به دو بخش رسمی و غیررسمی تقسیم کرده است. به هر حال جریان غیررسمی تئاتر در گوشه و کنار شهر و در جمع‌های خصوصی و دوستانه، و اغلب در محیط‌های غیرمتعارف اجرامی شود و امکانی است برای مواجهه با فضاهای نامکشوفی که تئاتر رسمی در این سال‌ها از آن محروم بوده. از این باب برای جمع‌بندی اجراهای تئاتری در سالی که گذشت باید به هر دوی این فضاهای رسمی و غیررسمی توجه کرد و هر کدام را تکمیل‌کننده آن یکی دانست. این هفته بعد از مدت‌ها بار دیگر به دو اجرای قابل اعتنا در کلانشهر تهران می‌پردازیم و از اجرای موفقیت‌ناکست این اجراهای گوییم. امید است مرور تئاتر کشور در سال جدید همچنان ادامه داشته باشد و کیفیت اجراها بهتر از گذشته شود.

نمایش اول - عده‌های نشده

اجرای تازه‌ای از نمایشنامه «عده‌های نشده» محمد میر علی اکبری به کارگردانی حسین کشفی اصل در سالن قشقایی مجموعه تئاتر شهر در حال اجرا است. متن «عده‌های نشده» به نوعی وادار، نمایشنامه «پولانسکی» میر علی اکبری بوده و در رابطه با عده‌ای از آدم‌های فاقد منزلت اجتماعی است که بنا بر ضرورت زندگی، کنار هم قرار گرفته و برای گریز از فلاکت و بدبختی مستمرشان، دست به هر کاری می‌زنند اما در این ممارست سبزی‌فروا موفقیت چندانی نصیب نمی‌برند و در نهایت در هیاهوی روزگار گم می‌شوند. نمایش عده‌های نشده به بازنمایی انسان‌هایی از قشر پستی‌های مختلف اجتماعی می‌پردازد که در میان آنان می‌توان از جوان عاشق سینما و پرسه‌زنی کلبی مسلک، تازن و مردی بی‌سواد و فرصت‌طلب



عکس: هادی جاوید

درباره نمایش‌های «عده‌های نشده» و «مافیای روباه‌ها»:

حضور نوازندگان زن روی صحنه مشکل شرعی دارد؟

بدیهی‌ترین موضوع در اینبار، که سال‌هاست

حضور نوازندگان زن روی صحنه مشکل شرعی دارد؟